



## Investigation of Viewpoint in the Ibrahim Khalil According to Jacques Fontanille

Nahid Nasihat \*<sup>1</sup>, Naeimeh Parandavaji<sup>2</sup>

### Abstract

Viewpoint is a technique used by the writer or narrator to make his purpose more acceptable to the audience or reader in addition to making its discourse attractive and diverse. Jacques Fontanille, the famous French Sign-semantics, has taken a point of view using theories and approaches of sign semantics and discourse analysis. He categorizes different types of perspectives in terms of the techniques that discourse uses to demonstrate them. These perspectives are: all-encompassing viewpoint, serial or cumulative viewpoint, elective viewpoint, particularize viewpoint, parallel viewpoint, conflicting viewpoint. The present article uses a descriptive-analytical method to analyze these perspectives in the story of Ibrahim Khalil (in narrative verses and related stories in the Qur'an). In fact, wants to answer this question: which perspectives and how in the story of Prophet Ibrahim (PBUH), the full manifestation of monotheism, is used. Findings show that the six types of Jacques Fontanille's Points of view in the relevant verses has been used, based on the purpose and effectiveness and transmission of the desired meaning to the audience. Also, based on his protest and argument against the pagan and polytheistic people and their oppressive king, it is natural that the perspective commensurate

Received: 05/12/2021

Accepted: 08/02/2022

\* Corresponding Author's E-mail:  
n.nasiaht@cfu.ac.ir

1. Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Farhangian University, Tehran, Iran.

<http://orcid.org/0000-0001-6697-0550>

2. Assistant Professor, Department of Arabic Language & Literature, Kosar University of Bojnord, Bojnord, Iran.

<http://orcid.org/0000-0002-0920-2202>



with this goal is a conflict-competition viewpoint that has a much more prominent presence in the narrative.

**Keywords:** viewpoint, Jacques Fontanille, Ibrahim Khalil (PBUH).

### **1. Introduction**

Some sign-semantics know view point as a series of techniques that the narrator uses to make the context diversity processing. Using these techniques and guide lines for the necessity of writer or narrator's special aims, causes context diversity. Choosing view points as the main principle of narration is done based on cultural and ideological functions.

The narrator describes his aims based on these functions to create an impact on the readers. The God as the narrator, uses different view point for narrating prophets' stories to use these strategies of induction of pure moral and educational concepts in course of intellectual advancement of society.

Present article deals with artistic literature of the holy Quran. By knowing the importance and the aim of literary explanation of mono theistic model analysis of view point based on Fontanelle's classification in the story of prophet Ibrahim (PBUH).

### **Research Question**

Based on Fontanille's theory, Quran used which view points and how used it. Assumption is that all-encompassing view point, serial or cumulative view point and particularize view point are used based on the intended meaning of the opinion and induction to the reader, in the related verses of the story.

### **2. Literature Review**

In relation of view point, various narrators and linguistics studied such as Genette, Saussure, Fowler, Simpson, Ouellet, Greimas and Cortes.



Mean while Fontanille could be named regarded to this knowledge from the view point of semantics sign by using theories and approach of this knowledge that deals with the subject of view point.

### **3. Methodology**

View point of narrative discourse of the story of prophet Ibrahim is analyzed with the semantics signs approach and descriptive analytical method in the verses of sura Al-Baqara, Al-Anam, Hud, Al-Hijr, Al-Anbia, Ash-Shura, Al-Saff and Adh-Dharyat.

### **4. Results**

Studying the view point of the story of the prophet Ibrahim shows that, God uses various view points for inviting people to the right way and reaching to the destination and guidance and induction to meaning to the audience. The narrator presents the overall picture of prophet and advisor by using universal view point. Also it shows the dominance to the earth and the heavens, and processing view toward them.

Proving God's justification against other gods and sacrificing Ismail are the axes that are studied based on serial or cumulative view point. It is natural that elective view point has the main role in narrating the story of prophet Ibrahim as the aim of Quran is the guidance of people and proffering one world view to the others.

Whenever prophet Ibrahim discusses with God's messenger, this discusses is drown with parallel view point. The main point is that in the story of prophet Ibrahim, there are so many incidents and adventures and his reasoning with idolator and pagan people and the king of time.

Symmetric view point of this finality is conflicting view point and presence of this view point in the story is bold. Also in some verses, prophet Ibrahim reach transcendence by coming out proud from divine tests and supplies himself whit mechanisms to achieve perfection.



## واکاوی زاویه دید در داستان ابراهیم خلیل (ع) براساس نظریه ژاک فونتنی

ناهید نصیحت\*<sup>۱</sup>، نعیمه پراندوجی<sup>۲</sup>

(دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۱۴ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۹)

### چکیده

زاویه دید شگردی است که نویسنده یا گفته‌پرداز آن را به کار می‌گیرد تا علاوه بر اینکه گفتمان خود را جذاب و متنوع نماید، هدف خود را برای مخاطب یا خواننده پذیراتر کند. ژاک فونتنی، نشانه‌معناشناس مشهور فرانسوی، با بهره‌گیری از نظریه‌ها و رویکردهای نشانه‌معناشناسی و تحلیل گفتمان به زاویه دید پرداخته است. وی انواع زاویه دید را برحسب شگردهایی بررسی می‌کند که گفتمان در نشان دادن آن‌ها به کار می‌برد. این زاویه دیدها عبارت است از: زاویه دید جهان‌شمول، تسلسلی، گزینشی، جزءنگر یا ویژه، موازی و رقابتی - کشمکش. در مقاله حاضر، با روش توصیفی - تحلیلی، این زاویه دیدها در داستان ابراهیم خلیل (در آیات روایی و داستانی مرتبط با ایشان در قرآن) بررسی شده است. بر این اساس، پرسش تحقیق عبارت است از: «قرآن برای بیان داستان ابراهیم خلیل از کدام زاویه دید و چگونه استفاده کرده است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد انواع زاویه دید ژاک فونتنی در آیات مرتبط، براساس غایت‌مندی و اثرگذاری و القای معنای مورد نظر به مخاطب به کار رفته است. همچنین به اقتضای مجادله و استدلال‌آوری ایشان در برابر مردم بت‌پرست و مشرک و پادشاه ستمگر آن‌ها، طبیعی است که زاویه دید متناسب با این غایت‌مندی، کشمکش - رقابتی است که به مراتب حضور پررنگ‌تری در روایت دارد.

واژه‌های کلیدی: زاویه دید، ژاک فونتنی، ابراهیم خلیل.

۱. استادیار، گروه آموزش زبان و ادبیات عربی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

\* n.nasihat@cfu.ac.ir

<http://orcid.org/0000-0001-6697-0550>

۲. استادیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کوثر بجنورد، بجنورد، ایران.

<http://orcid.org/0000-0002-0920-2202>

## ۱. مقدمه

زاویه دید یا کانون روایت بیانگر روش نویسنده یا گفته‌پرداز در ارائه داستان به خواننده است تا خواننده، به‌عنوان گفته‌یاب، همه حوادث داستان و صحنه‌ها و رفتارهای کنشگرها را دریابد. از دیدگاه برخی نشانه‌معناشناسان، زاویه دید «مجموعه شگردهایی است که گفته‌پرداز به‌کار می‌برد تا بدین وسیله تنوع پردازش متنی را به‌وجود آورد» (شعیری، ۱۳۹۵: ۷۶). به‌کار بردن این شگردها و راهبردها به‌اقتضای اهداف خاص نویسنده یا گفته‌پرداز باعث تنوع متنی می‌شود. گزینش زاویه دیدها، به‌عنوان مهم‌ترین عنصر روایت، براساس کارکردهای فرهنگی و ایدئولوژیک صورت می‌گیرد. گفته‌پرداز بر مبنای این کارکردها، اهداف خود را به‌تصویر می‌کشد تا اثرگذاری بیشتری بر خواننده ایجاد کند. خداوند متعال، به‌عنوان گفته‌پرداز قرآن، در داستان‌ها و آیات مرتبط با روایات پیامبران زاویه دیدهای مختلفی را انتخاب کرده تا از این راهبرد در هنر روایت‌پردازی برای القای مفاهیم اصیل اخلاقی و تربیتی در راستای محور فکری و رسالتی قرآن، به‌منظور بیدارگری انسان و جامعه و درحقیقت ارتقای فکری جامعه استفاده کند.

نویسندگان مقاله حاضر با درک اهمیت ادبیات هنری قرآن و با هدف تبیین ادبی‌الگوی توحیدی، به واکاوی زاویه دید براساس دسته‌بندی ژاک فونتنی در داستان حضرت ابراهیم (ع) — که مکتب توحیدی، معرفت، مبارزه، استقامت، حق‌گویی و قدرت بیان و استدلال ایشان در آیات مختلف ذکر شده است — پرداخته‌اند. رویکرد این پژوهش نشانه‌معناشناسانه و روش آن توصیفی - تحلیلی است. پرسش پژوهش عبارت است از: بر مبنای نظریه ژاک فونتنی، قرآن برای بیان داستان ابراهیم خلیل از کدام زاویه دید و چگونه استفاده کرده است؟ برای پاسخ به این سؤال، از بین آیات مرتبط با حضرت ابراهیم آیاتی انتخاب شده که مبتنی بر محور داستان‌پردازی و گفتمان روایی است و شامل آیاتی از سوره‌های مبارکه بقره، انعام، حجر، شعراء، انبیاء و صافات می‌شود. فرض بر این است که از زاویه دید جهان‌شمول، تسلسلی، گزینشی و جزءنگر/ویژه به‌تناسب معنای مطمح نظر و القای آن به خواننده، در آیات مرتبط با داستان ابراهیم خلیل استفاده شده است.

داستان حضرت ابراهیم به صورت پراکنده در سوره‌های مختلف قرآن ذکر شده است. هر بخش از ماجراهای ایشان براساس تناسب و ارتباط محتوایی با سوره‌ای خاص، در آن سوره قرار گرفته است. آنچه مرتبط با محور پژوهش حاضر است، آیاتی از سوره‌های مبارکه بقره، انعام، حجر، انبیاء، شعراء و صافات است که ماجراهایی را بیان می‌کند تا یک گفتمان روایی شکل گیرد. بر مبنای این گفتمان روایی، زوایای دید با رویکرد نشانه‌معناشناسی و روش توصیفی - تحلیلی در آیات ۱۲۴ تا ۱۲۹ و ۲۵۸ تا ۲۶۰ سوره بقره، ۷۴ تا ۸۱ انعام، ۶۹ تا ۷۶ هود، ۵۱ تا ۵۸ حجر، ۵۱ تا ۷۳ انبیاء، ۶۹ تا ۷۱ شعراء، ۸۳ تا ۱۱۳ صافات و آیات ۲۴ تا ۲۷ سوره ذاریات واکاوی می‌شود.

## ۲. پیشینه تحقیق

قرآن پژوهان پژوهش‌های متعددی در عرصه ادبیات داستانی و هنری قرآن انجام داده‌اند؛ از جمله مطالعاتی در خصوص تبیین گفتمان روایی و نشانه‌معناشناسی داستان‌های پیامبران صورت گرفته است. در اینجا قصد داریم پژوهش‌هایی را معرفی کنیم که به داستان ابراهیم نبی پرداخته‌اند.

آقاحسینی و زراعتی (۱۳۸۹) در «بررسی تطبیقی داستان حضرت ابراهیم در متون تفسیری و عرفانی (تا قرن هفتم هجری)» بخش‌هایی از زندگی حضرت ابراهیم را در مشهورترین متون تفسیری و عرفانی فارسی بررسی کرده‌اند. آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که نگاه مفسران و عرفا به داستان این پیامبر الهی هرچند شباهت‌های اندکی دارد، در عمده مطالب با هم فرق دارد.

داوودی مقدم (۱۳۹۲) در «بازنمایی انسجام در داستان حضرت ابراهیم براساس تحلیل نشانه - معناشناسی گفتمانی»، با رویکرد نشانه‌معناشناختی به تبیین نظام‌های گفتمانی تجویزی، تعاملی، شناختی و تنشی در این داستان پرداخته و وجود وحدتی اندام‌وار در ظاهر و انسجامی بی‌نظیر را در معنا اثبات کرده‌اند.

طاهری‌نیا و دریانورد (۱۳۹۳) در «تحلیل ساختار عنصر گفت‌وگو در داستان حضرت ابراهیم در قرآن کریم»، ظرافت‌های بیانی گفت‌وگوی داستان حضرت ابراهیم را با استفاده از رویکرد نشانه‌شناسی تبیین کرده‌اند. نویسندگان معتقدند گفت‌وگوی

حضرت ابراهیم بیش از آنکه به جدل شبیه باشد، به تبادل کلام مانند است؛ زیرا آن حضرت به قصد دشمنی با طرف مقابل بحث و گفت‌وگو نکرده است. حتی زمانی که با نمرود و قوم مخالف خود گفت‌وگو می‌کند، نرم‌خویی و ملایمت در گفتارشان نمایان است.

محمودی بختیاری و منشی (۱۳۹۷) در «دیالوگ دراماتیک در قرآن کریم در چارچوب نظریه گفتمانی، بررسی موردی رخداد گفتاری حضور فرشتگان در منزل حضرت ابراهیم»، رخداد گفتاری حضور فرشتگان در منزل حضرت ابراهیم و تحقق یافتن یا نیافتن شاخص‌های هر نوع مکالمه را در این رخداد بررسی کرده‌اند. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد تعاملات موجود در رخداد گفتاری حضور فرشتگان در منزل حضرت ابراهیم کمابیش منطبق با چارچوب گفتمان دراماتیک است.

حسن‌پور دهنوی، تاکی و اکبری (۱۳۹۷) در «بررسی مناظرات حضرت ابراهیم در قرآن از منظر رویکرد پراگما - دیالکتیک»، به گفتمان استدلالی مناظرات حضرت ابراهیم با آزر، نمرود، بت‌پرستان و ستاره‌پرستان براساس مراحل چهارگانه روایی، باب‌گشایی، استدلالی و نتیجه‌گیری رویکرد پراگما - دیالکتیک همت گماشته‌اند.

روشنفکر، جرونده و جرونده (۱۳۹۸) در «بررسی داستان بت‌شکنی و در آتش افکنده شدن حضرت ابراهیم برپایه الگوی روایی گرماس»، براساس الگوی کنشی گرمس مشتمل بر عوامل شش‌گانه روایت و زنجیره‌های سه‌گانه روایی، ماجرای بت‌شکنی حضرت ابراهیم را واکاوی کرده‌اند.

تقوی (۱۳۹۹) در مقاله «کنش گفتمانی حضرت ابراهیم با مخالفان در قرآن کریم براساس طبقه‌بندی کنش‌های گفتاری سرل»، با بهره‌گیری از طبقه‌بندی کنش‌های گفتاری سرل، کنش‌های گفتاری حضرت ابراهیم را در مقابل مخالفان نوع‌شناسی کرده و به این نتیجه رسیده که کنش گفتاری اظهاری و کنش گفتاری اعلامی به‌ترتیب دارای بیشترین و کمترین بسامد بوده است.

علیزاده و دیگران (۱۳۹۹) در «بررسی ساختار داستان حضرت ابراهیم و لوط در قرآن کریم و عهد عتیق براساس الگوی سیمپسون»، برپایه الگوی شش‌گانه سیمپسون



در تحلیل روایت؛ فرایندهای مادی، رفتاری، کلامی، ذهنی، رابطه‌ای و وجودی داستان حضرت ابراهیم و لوط را در قرآن و تورات بررسی کرده‌اند.

نصیری، مطیع و امیری (۱۳۹۹) در «بازسازی معناهای عاطفی در فرایند ارزشی‌گفتمانی داستان ابراهیم؛ با رویکرد نشانه - معناشناختی»، با استفاده از روش تحلیل نشانه‌معناشناسی گفتمان داستان حضرت ابراهیم، به نظام‌های شوشی و کنشی پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که معنا در رابطه با نظام گفتمانی شوش و کنش بازتولید می‌شود و تداوم می‌یابد.

بررسی پیشینه تحقیق نشان می‌دهد گفتمان‌های روایی قرآنی با محوریت زاویه دید بررسی نشده است. در این مقاله، با استفاده از نظریه ژاک فونتنی، یکی از زیباترین داستان‌های قرآن با محوریت زاویه دید مطالعه و واکاوی شده است.

### ۳. چارچوب نظری

#### ۳-۱. زاویه دید

زاویه دید، از مهم‌ترین اصطلاحات داستان‌نویسی، بیانگر شیوه روایت داستان است. روایت و زاویه دید دو مقوله مرتبط و درهم‌تنیده است. در بستر روایت‌شناسی: زاویه دید اشاره به چشم‌انداز روان‌شناختی‌ای دارد که هر داستان از آن چشم‌انداز بیان می‌گردد. این چشم‌انداز حاوی چارچوبی روایی (خواه اول‌شخص، سوم‌شخص یا هر زاویه دید دیگری) است که نویسنده برای بیان داستان خود برمی‌گزیند. زاویه دید روایت جوهره سبک داستان است (علوی و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۷۰).

گویی پنجره‌ای است که نویسنده به روی خواننده می‌گشاید تا خواننده تمام حوادث، اعمال، صحنه‌ها، رفتارها و سکناات اشخاص داستان را مشاهده کند (آژند، ۱۳۷۵: ۳۱). این پنجره، به‌منزله نظرگاه، باعث می‌شود سخن نویسنده برای مخاطب جذاب‌تر شده و مورد پذیرش قرار گیرد؛ زیرا نویسنده یا گفته‌پرداز «که در پی بازآفرینی واقعیت است، می‌کوشد داستان را از نظرگاه شخصیتی نقل کند که تا جای ممکن آن را محتمل‌تر و پذیرفتنی‌تر بنمایاند و به بهترین نحو تأثیر واحدی را که مطمح نظر دارد، در ذهن خواننده باقی بگذارد» (پورنداف حقی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۳۱). این نظرگاه یا کانون

روایت متنوع است و حالت واحد و ثابتی ندارد. تنوع در آن مبتنی بر شگردهای گوناگونی است که نویسنده با کاربرد آن‌ها، زاویه ارتباطش را با مخاطبان برمی‌گزیند. در داستان، زاویه دید گفتمانی ناظر بر رابطه‌ای است که نویسنده با داستان و شخصیت‌های داستانی دارد. گفتار یا اندیشه یک شخص به معنای اتخاذ زاویه دید آن شخص در گفتمان است (جلالی طحان و خلیل‌اللهی، ۱۳۹۵: ۴).

درباره زاویه دید، روایت‌شناسان و زبان‌شناسان متعددی از جمله ژرار ژنت، فردینان دو سوسور، راجر فاولر، سیمپسون، پی‌یر اوالت، گرمس و کورتز مطالعه و تحقیق کرده‌اند. در این میان، ژاک فونتنی، نشانه‌معناشناس معاصر فرانسوی، به این علم از زاویه نشانه‌معناشناسی و تحلیل گفتمان نگریسته و با بهره‌گیری از نظریه‌ها و رویکردهای این علم، به مبحث زاویه دید پرداخته است. وی برای زاویه دید کارکردهایی را مطرح کرده که عبارت است از: «ایجاد کنشی ادراکی که در امر جهت‌گیری گفتمان مؤثر است؛ نقش تعیین‌کنندگی در گفتمان و تبدیل مفهوم زاویه دید به کنشی معناشناختی» (Fontanille, 1990: 43) به نقل از رفعت‌خواه و علوی‌مقدم، ۱۳۹۹: ۱۵۰). اینجاست که زاویه دید با شناخت ارتباط می‌یابد (شعیری، ۱۳۹۵: ۷۵). از دیدگاه گفتمانی، شناخت جریان فعالی است که از طریق شگردهای زبانی همچون زاویه دید به دست می‌آید (جلالی طحان و خلیل‌اللهی، ۱۳۹۵: ۴). آنچه مبحث زاویه دید را با شناخت مرتبط می‌سازد، جهت‌مند بودن آن است. روشن است که هرگاه پای زاویه دید به میان می‌آید، خود را به سمت‌وسویی خاص معطوف می‌نماید. به همین دلیل است که زاویه دید را جهت‌دار می‌دانیم. بی‌شک جهت‌مندی زاویه دید حکایت از مسیر توجه یا سیر نگاهی دارد که به سوی چیزی یا کسی سوق پیدا کرده است. این جهت‌مندی زمانی معنا می‌یابد که آن را غایت‌مند نیز بخوانیم (شعیری، ۱۳۹۵: ۷۵)؛ یعنی نویسنده یا گفته‌پرداز هدف‌مندان و مبتنی بر معنای مورد نظر به کسی یا چیزی بنگرد.

ژاک فونتنی به دو عامل موقعیتی معتقد است که آن‌ها را عامل مبدأ و مقصد می‌نامد و سپس بین آن‌ها یک غایت‌مندی قائل می‌شود که سبب ایجاد نوعی رابطه معنادار می‌گردد. چنین رابطه‌ای را که از رهگذر غایت‌مندی زاویه دید به وجود می‌آید، می‌توان به محدود کردن، برگزیدن و بالاخره ایجاد کردن رابطه انحصاری تعبیر کرد (همان‌جا).

اين سه عنصر زاويه ديد را شناخت پذير مى كند؛ زيرا از توجه خاص يا متمرکز بر يك گونه حكاييت دارد. علت ديگر شناختى بودن زاويه ديد اين است كه نگاه يا توجه، از ميان همه موارد ممكن، بر يك مورد ممكن معطوف و متمرکز گشته، آن را غايت اصلى خود قرار مى دهد (شعيرى و وفابى، ۱۳۸۸: ۸۲) و افقهاى جديدى را پيش روى خواننده مى گشايد. زاك فوتنتى در كتاب *نشانه - معناشناسى و ادبيات*، انواع زاويه ديد را برحسب شگردهاى بررسى مى كند كه گفتمان در نشان دادن آنها به كار مى برد. اين زاويه ديدها عبارت است از: جهان شمول، تسلسلى، گزينشى، جزءنگر يا ويژه (Fontanille, 1999: 50-55؛ به نقل از شعيرى، ۱۳۹۵: ۸۰)، موازى و زاويه ديد رقابتنى - كشمكشى (شعيرى و وفابى، ۱۳۸۸: ۸۹-۸۸).

### ۲-۳. ابراهيم خليل در قرآن

حضرت ابراهيم (ع) از پيامبران اولوالعزم الهى است. در قرآن كريم، در ۲۵ سوره، ۶۹ مرتبه نام ايشان ذكر شده است. تقريباً دويست آيه قرآن درباره اين پيامبر عظيم الشان است كه در آنها، به زيبايى به شخصيت حضرت ابراهيم، رفتار و احتجاجات و استدلالهاى ايشان و نيز رويداهاى از زندگى آن حضرت مانند نبوت، دعوت به يكتاپرستى، امامت، بناى كعبه، ماجراى تولد فرزندان، ذبح فرزند و موضوع قربانى كردن، معجزه زنده شدن چهار پرنده پس از مردن، سرد شدن آتش و شكستن بتها اشاره شده است. علامه طباطبايى حضرت ابراهيم را «مصدق كامل قيام به دين فطرت و نشر توحيد» مى داند (بى تا: ۱۷ / ۱۵۵). ايشان داراى شريعت و كتاب مستقل بوده، صاحب بيست صحيفه است (شيخ صدوق، ۱۳۶۲: ۲ / ۵۲۴). ابراهيم خليل در منطقه بين النهرين، مهد تمدنهاى اوليه بشرى كه از غناى فرهنگى و تمدنى بسيارى برخوردار بود، به پيامبرى منسوب گرديد (تقوى، ۱۳۹۹: ۲). خداوند نبوت را در نسل ايشان قرار داد و ۷ هزار پيغمبر از صلب او به وجود آمد (عمادزاده، ۱۳۸۳: ۲۸۲). حضرت ابراهيم، بنیان گذار ادیان توحیدی نزد پیروان یهودیت، مسیحیت و اسلام، از شأن و منزلتی والا برخوردار است؛ زیرا دو پسر او، «اسماعیل» نیای اعراب و حضرت محمد (ص) و «اسحاق» جدّ حضرت موسى و عيسى، بنیان گذاران سه دين بزرگ، محسوب به شمار

می‌آیند (ملک‌لو و دیگران، ۱۳۹۷: ۹۸). پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: هر که می‌خواهد ابراهیم را ببیند، در من نظر کند (عمادزاده، ۱۳۸۳: ۲۸۳). علاوه بر قرآن، بخشی از تورات نیز به شرح ماجرای حضرت ابراهیم اختصاص یافته که از سفر پیدایش باب دوازدهم با ذکر سفرهای ایشان آغاز می‌شود و با نقل جزئیات زندگی او ادامه می‌یابد و به وفات ایشان ختم می‌شود. اما در انجیل مقدس، به‌صورت مجزا از زندگی این پیامبر الهی سخن به‌میان نیامده و فقط هنگام طرح و اثبات مباحث گوناگون دینی، به برخی زوایای زندگی ایشان اشاره شده است (آقاحسینی و زراعتی، ۱۳۸۹: ۴۲).

#### ۴. بحث و بررسی: واکاوی زاویه دید در داستان ابراهیم خلیل

##### ۴-۱. زاویه دید جهان‌شمول

زاویه دید جهان‌شمول مبتنی بر شگردی اجماع‌گراست و براساس فاصله بسیار زیاد با گونه‌های دیداری یا اصل تعمیم و نگاه فهرست‌وار به آن‌ها به‌دست می‌آید. بنابراین در چنین شگردی، اصل بر حاکمیت گونه‌های بیرونی است که برحسب تجانس و تمامیتشان ارزش‌گذاری می‌شود (شعیری، ۱۳۹۵: ۸۰). افعالی نظیر سیر کردن، نگاه را به گردش درآوردن، نگاه افکندن و نمونه‌هایی از این‌دست به این شیوه تعلق دارد (رفعت‌خواه و علوی‌مقدم، ۱۳۹۹: ۱۵۲). توصیف هم در این نوع می‌گنجد. هرگاه نویسنده گفتمان توصیفی را برای شناخت زمان، مکان و صحنه‌های رخداد داستان در متن به‌کار ببرد، از این زاویه دید استفاده می‌کند (جلالی طحان و خلیل‌اللهی، ۱۳۹۵: ۶). این نوع زاویه دید اشتراکات زیادی با زاویه دید دانای کل دارد. در زاویه دید دانای کل: فکری برتر از خارج، شخصیت‌های داستان را رهبری می‌کند و از نزدیک شاهد اعمال و افکار آن‌هاست و درواقع در حکم خدایی است که از گذشته، حال و آینده‌شان آگاه است. می‌داند آن‌ها به چه فکر می‌کنند و چه احساسی دارند و چه عملی می‌خواهد از آن‌ها سر بزند. به این شیوه بازگویی، دانای کل یا عقل کل می‌گویند (میرصادقی، ۱۳۹۱: ۲۰).

داستان حضرت ابراهیم، همچون سایر روایات قرآن، از جانب کسی نازل شده که به همه امور و حوادث در زمان گذشته، حال، آینده، و باطن و ظاهر مسائل و افراد آگاه

است؛ لذا قدر مسلم این است که بخش اصلی حوادث داستان حضرت ابراهیم با زاویه دید جهان‌شمول روایت شده باشد.

قرآن کریم در آیه ۱۲۶ سوره بقره، براساس زاویه دید جهان‌شمول سمت‌وسویی خاص برای سرزمین مکه ایجاد می‌کند: *وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ*. قرآن در این آیه، نامی برای «بلد» ذکر نکرده است؛ اما نشانه‌هایی همچون «آمن» (دارای امنیت)، «ارزق» (روزی دادن)، «أهله» (افراد این سرزمین)، «الثمرات» (میوه‌ها) و «من آمن منهم بالله» (ایمان‌آوردگان به خدا) برای آن قرار داده که بلد به‌عنوان یک سرزمین و به‌مثابه یک کل، بر تمامیت آن‌ها تسلط دارد. به عبارت دیگر، این نشانه‌ها سرزمین را جهت‌مند می‌کند و به مخاطب می‌شناساند. در آیه ۱۲۹ همین سوره، کلیتی از رسول بیان می‌کند؛ بدون اینکه نام ایشان بیاید. در گستره معنایی رسول، هر پیامبری می‌تواند قرار گیرد: *رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ*. در این زاویه دید، حضرت ابراهیم با چند نشانه، «رسولاً» را جهت‌مند می‌کند و سیر نگاه را به سمت آن سوق می‌دهد: «يتلو عليهم آياتك»، «يعلمهم الكتاب والحكمة» و «يزكئهم»؛ نشانه‌هایی که در سطره «رسولاً» قرار دارد و همه با هم در ارتباط است.

مصادق دیگری از زاویه دید جهان‌شمول را در آیه ۷۵ سوره انعام می‌توان دید: *وَكَذَلِكَ نُفِّرُ إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ*. در این آیه، خداوند متعال، به‌عنوان گفته‌پرداز، ملکوت آسمان‌ها و زمین را در نگاه خود دارد و با این زاویه دید جهان‌شمول «نُفِّرُ» (به‌معنای نشان می‌دهیم) که بر تمامیت آسمان‌ها و زمین تسلط دارد، سمت‌وسویی خاص برای ابراهیم به‌وجود می‌آورد. این جهت‌مندی به‌سوی یقین هدایت می‌شود تا غایت‌مندی در آن آشکار گردد و ارتباط معنایی به‌وجود آید: *لِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ*. در این فرایند، ابراهیم استعلا یافته، به یقین می‌رسد؛ زیرا خداوند متعال می‌خواهد او را به یک فرانساز ارتقا دهد. ابراهیم هم از آزمون‌های الهی سربلند بیرون می‌آید و به استعلا می‌رسد و به سمت تعالی سوق می‌یابد. در ادامه سوره، آیه ۷۹ نشان می‌دهد که حضرت ابراهیم، به‌عنوان گفته‌پرداز، نگاه خود را به سمت کسی درمی‌نوردد

که آسمان‌ها و زمین را خلق کرده است: *إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ*. در این آیه، جهان‌شمولی زاویه دید با «*وَجَّهْتُ*» (توجه کردن) نشان داده شده است. درحقیقت حضرت ابراهیم با این نگاه به سمت «حنیف بودن» و «مشک نبودن» که غایت اصلی جهتمندی نگاه اوست، حرکت می‌کند.

#### ۲-۴. زاویه دید تسلسلی

زاویه دید تسلسلی گونه‌ای شناختی است که وجوه مختلف یک چیز یا یک موقعیت را یکی پس از دیگری پشت سر می‌گذارد؛ به این ترتیب، می‌توان آن را جامع‌گرا نیز نامید (شعیری، ۱۳۹۵: ۸۱). چنین زاویه دیدی ترکیب‌گرا و مبتنی بر توالی نگاه است؛ گویی اجزای کل شمرده می‌شود (شعیری و وفایی، ۱۳۸۸: ۸۳). در این زاویه دید، نویسنده یا گفته‌پرداز وجوه مختلف یک چیز یا یک موقعیت را یکی پس از دیگری به صورت تسلسلی یا توالی نگاه با کنار هم قرار دادن و ترکیب چندین زاویه دید بیان می‌کند (رفعت‌خواه و علوی‌مقدم، ۱۳۹۹: ۱۵۱). این نوع زاویه دید مخاطب را در وضعیتی فعال قرار می‌دهد و مقوله گسترده‌تری در آن اهمیت بسیاری می‌یابد و گفته‌پرداز برای نمود بیشتر موضوع، حول محور آن می‌چرخد (جلالی طحان و خلیل‌اللهی، ۱۳۹۵: ۸). قرآن کریم در آیه ۱۰۲ تا ۱۰۵ سوره صافات، وجوه مختلف «تصمیم ذبح کردن حضرت اسماعیل» را در کنار یکدیگر قرار می‌دهد تا یک زاویه دید جامع از این فرایند به دست دهد: *فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ \* فَلَمَّا أَسْلَمَا وَ تَلَّهُ لِلْجَبِينِ \* وَ نَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ \* قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ*. در این آیات، وجوه مختلف یک موقعیت به ترتیب یکی پس از دیگری بیان می‌شود: خطاب حضرت ابراهیم به پسرش اسماعیل: *إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ* (خواب دیدم که تو را قربانی می‌کنم)؛ پاسخ پسر: *قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ* (هرآنچه به آن فرمان داده شدی انجام ده)؛ سخن خداوند متعال به عنوان گفته‌پرداز: *فَلَمَّا أَسْلَمَا وَ تَلَّهُ لِلْجَبِينِ وَ نَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ* (زمانی که هر دو تسلیم امر و فرمان خداوند شدند، ندا آمد که خوابت را تحقق بخشیدی و ما نیکوکاران را این چنین پاداش می‌دهیم). در آیات

مذکور، زاویه دید «ذبح کردن»، سلسله وار و براساس توالی نگاه شکل گرفته است؛ زیرا نگاه، صحنه به صحنه پیش می رود و اجزای آن برای مخاطب به تصویر کشیده می شود. در آیات ۷۶ تا ۷۸ سوره انعام، «پروردگار بودن» مصداق دیگری از نگاه تسلسلی و مبتنی بر زاویه دیدی جامع ارائه می شود: فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ \* فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِعًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ لَنْ لَمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَالْكُونِ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ \* فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَازِعَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ. در این آیات، حضرت ابراهیم برای رسیدن به ایمان واقعی و پرستش خداوند متعال، مراحل مختلف اعتقادی را پشت سر می گذارد. ایشان ابتدا ستاره را برای پرستش برگزید. زمانی که ستاره غروب کرد، از پرستش آن روی برگرداند و به پرستش ماه مشغول شد که بزرگتر و پرنورتر بود. غروب ماه نیز ایشان را از پرستش ماه بازداشت؛ سپس با دیدن نور زیاد خورشید و گرمای آن به پرستش آن روی آورد، ولی با غروب خورشید، از پرستش آن دست کشید و تمام آن معبودها را فانی و موقت یافت. به دنبال معبودی بود تا افول و غروب در آن راهی نداشته باشد که آن جز ذات باری تعالی نبود. بدین ترتیب، «هزاربی» (پروردگار بودن) زاویه دید جامعی است که از کنار هم قرار گرفتن «کوکبا، القمر و الشمس» به عنوان چندین زاویه دید حاصل شده است. ابراهیم، به عنوان گفته پرداز، نگاه خود را جزء به جزء و به صورت متوالی پیش می برد تا به غایت اصلی که از یک سو اثبات توحید و از سوی دیگر اثبات ناتوانی خدایان قوم است، نائل شود و با قرار دادن مخاطب در وضعیتی فعال، در القای معنا به او توفیق بیشتری به دست آورد.

#### ۳-۴. زاویه دید گزینشی

زاویه دید گزینشی گونه ای است مبتنی بر انتخاب برترین نمونه از وجود یک چیز یا یک موقعیت. از آنجا که زاویه دید بهترین نمونه ممکن را نشانه رفته است، دستیابی به چنین نمونه ای باعث می گردد تا جست و جو متوقف شود (شعیری، ۱۳۹۵: ۸۲)؛ زیرا دستیابی به گونه برتر یعنی کنار گذاشتن همه وجوه دیگر که اهمیتشان کمتر از این نمونه است یا بی اهمیت هستند. نمونه انتخاب شده کامل و بدون نقص است (شعیری و

وفایی، ۱۳۸۸: ۸۶). برای مثال گزینش نام شخصیت‌ها، یک ماجرا یا یک رفتار خاص از سوی گفته‌پرداز را می‌توان از این نوع زاویه دید دانست.

در داستان حضرت ابراهیم، هدف از روایت داستان (همچون سایر روایات پیامبران) برتری دادن و گزینش راه و روشی است که حضرت ابراهیم آن را ترسیم می‌کند؛ از این رو طبیعی است که زاویه دید گزینشی بسامد زیادی در این روایت داشته باشد. خداوند متعال در آیه ۱۲۴ سوره بقره: «وَ إِذْ ابْتَلَىٰ اِبْرٰهٖمَ رَبُّهُ بِكَلِمٰتٍ فَاْتَمَّهِنَّ قَالَ اِنِّیْ جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ اِمَامًا قَالَ وَ مَنْ ذُرِّیَّتِیْ قَالَ لَا یَنَالُ عَهْدِی الظَّالِمِیْنَ» خطاب به حضرت ابراهیم می‌فرماید: «اِنِّیْ جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ اِمَامًا». در این آیه شریفه، مرجع ضمیر «ک» در ساختار «جاعلک» حضرت ابراهیم است که به گزینش و انتخاب او، به دلیل ظرفیت‌های زیاد و سربلندی‌اش در آزمون‌های الهی، اشاره می‌کند. در واقع ایشان را نمونه‌ای کامل می‌داند که سایر گونه‌ها و نمونه‌های انسانی را با «وَ مَنْ ذُرِّیَّتِیْ قَالَ لَا یَنَالُ عَهْدِی الظَّالِمِیْنَ» کنار می‌نهد و در اینجا جست‌وجو را متوقف می‌کند. همچنین جهتمندی این نمونه کامل و بی‌نقص به غایت «اماماً» منتهی می‌شود. «امام» واقع شدن ابراهیم استعلا‌ی ایشان را می‌رساند؛ زیرا با سربلند بیرون آمدن از آزمایش‌های الهی، سازگار رسیدن به استعلا و کمال را در خود فراهم می‌کند. خداوند متعال هم با اعطای مقام امامت، وجه استعلایی وی را نشان می‌دهد.

در آیه ۷۵ سوره انعام، مصداق مهمی از زاویه دید گزینشی را می‌توان مشاهده کرد: «وَ کَذٰلِکَ نُرِیْ اِبْرٰهٖمَ مَلٰکُوتَ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ وَ لَیْکُوْنَ مِنَ الْمُؤْمِنِیْنَ». در این آیه، نام حضرت ابراهیم ذکر شده است و در یک متن «از نمودهای حضور زاویه دید گزینشی، گزینش نام شخصیت‌ها توسط گفته‌پرداز می‌باشد» (رفعت‌خواه و علوی‌مقدم، ۱۳۹۹: ۱۵۴). ملکوت آسمان‌ها و زمین را به ایشان نشان می‌دهند تا از کسانی باشد که به یقین خداوند را درک کرده باشد. «درک یقینی خداوند» صفتی است که خداوند متعال از میان همه صفات، آن را برای حضرت ابراهیم انتخاب می‌کند. درحقیقت خداوند متعال، به‌عنوان گفته‌پرداز در این روایت، از این شگرد کیفی استفاده می‌کند و حضرت ابراهیم را نمونه‌ای برتر در میان پیامبران و سایر انسان‌ها معرفی می‌نماید. در سوره صافات نیز، با بهره‌گیری از این زاویه، ابراهیم را به‌عنوان بهترین نمونه از وجوه مؤمنان نشانه گرفته



است: سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ \* كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ \* إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ \* وَبَشَرَانَا بِإِسْحَاقَ نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ. در این آیات، گفته‌پرداز با ذکر نام ابراهیم و گزینش وی از میان «محسنین»، «مؤمنین» و «صالحین»، مخاطب را به شناخت از یک نمونه برتر می‌رساند.

#### ۴-۴. زاویه دید جزءنگر یا ویژه

زاویه دید ویژه گونه‌ای شناختی است که هیچ اهمیتی برای گونه‌های جهان‌شمول یا مجموعه‌های بزرگ قائل نیست و بر ریزنگری مبتنی است؛ یعنی اینکه جزئی از یک چیز را جدا می‌کند و با دقت و وسواس فراوان مورد نگرش قرار می‌دهد (شعیری، ۱۳۹۵: ۸۳). پردازش بسیار ریز یا جزئی یا وسواسی بر روی هرچیزی است که زاویه دید را جزءنگر می‌سازد (شعیری و وفایی، ۱۳۸۸: ۸۷). در آیات ۷۹ تا ۸۲ سوره شعراء، حضرت ابراهیم با جزئی‌نگری، برخی ویژگی‌های معبودش را به مخاطب نشان می‌دهد: الَّذِي خَلَقْتَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ \* وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ \* وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ \* وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ \* وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ. در این آیات، نگاهی ترسیم شده که در آن، برخی ویژگی‌های خداوند متعال همچون «خلقت، هدایتگری، اطعام، سیراب نمودن، شفا دادن، میراندن، زنده کردن و آمرزیدن» از بین همه افعال و صفات بی‌نهایت پروردگار به‌تصویر کشیده شده است. در این نگرش، مخاطب با زاویه دیدی روبه‌روست که متمرکز بر خداوند متعال و ویژگی‌های اوست. گویی ویژگی‌های مذکور همه اجزای «الذی» است که به‌صورت بسیار ریز پردازش شده است.

در آیه ۱۲۵ سوره بقره، نگرش وسواسی به «بیت» به‌عنوان خانه خدا صورت گرفته و پردازش جزئی و ریزی آن را خاص گردانده است: وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنَا وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَوَعَدْنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهْرًا لِّبَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ. در این آیه، پروردگار متعال با استفاده از زاویه دید جزءنگر ویژگی‌های خانه خود یعنی کعبه را برشمرده و گونه‌های جزئی «مثابه، امن، مصلی، طهرا بیتی للطائفین» را اهمیت داده است. این اجزا باعث می‌شود تا «البیت» به‌عنوان زاویه دید ویژه جلوه کند.

#### ۵-۴. زاویه دید موازی

زاویه دید موازی زاویه‌ای است که در آن دو گونه شناختی به‌طور موازی پیش می‌رود؛ بدون اینکه یکی بر دیگری غالب باشد یا لطمه‌ای بزند (شعیری و وفایی، ۱۳۸۸: ۸۸). هر دو زاویه نقش خود را یکسان ایفا می‌کند (همان: ۹۳). در روایات مرتبط با حضرت ابراهیم (ع) می‌توان این نوع زاویه دید را در آیات ۵۱ تا ۵۸ سوره حجر دید: وَ تَبَهُمُ عَنْ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ \* إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ إِنَّا مِنْكُمْ وَجَلُونَ \* قَالُوا لَا تَوْجَلْ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ \* قَالَ أَبَشْرْتُمُونِي عَلَىٰ أَنْ مَسَّنِيَ الْكِبَرُ فِيمَ تَبَشِّرُونَ \* قَالُوا بَشْرْنَاكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْقَانِطِينَ \* قَالَ وَمَنْ يَقْطُطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ \* قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ \* قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ مُجْرِمِينَ. نخستین آیه مروری است بر مهمان شدن فرشتگان در منزل حضرت ابراهیم. این آیه فضای ورود به ماجرا را با جمله «و به آنان از مهمان ابراهیم خبر ده» فراهم می‌آورد؛ سپس دو نوبت گفت‌وگو در آیه ۵۲ میان فرشتگان و پیامبر خدا جریان می‌یابد. در ادامه نوبت‌های بعدی گفتار، به‌صورت پی‌درپی، هریک متناظر با یک آیه، تا پایان آیه ۵۸ مطرح می‌شود (محمودی بختیاری و منشی، ۱۳۹۷: ۳۸۰). گفت‌وگویی که میان حضرت ابراهیم و مهمانانش درگرفته، زاویه دید موازی است که هم‌زمان با هم در متن روایی به‌سمت جلو حرکت می‌کند و نه بر هم غلبه می‌یابد و نه همدیگر را نقض می‌کند؛ به عبارت دیگر، گفت‌وگوی هر دو طرف در یک راستا در داستان به‌پیش می‌رود و ابراهیم خلیل و مهمانان با هم تعامل دارند و هیچ‌یک از آن‌ها به یکدیگر لطمه نمی‌زنند.

همچنین در آیات ۶۹ تا ۷۳ سوره هود و آیات ۲۴ تا ۳۴ سوره ذاریات، گفتارهای حضرت ابراهیم و مهمانان ایشان (فرشتگان الهی که در منزل حضرت ابراهیم حضور یافتند) رخ می‌دهد که این رخدادها متناظر مصداق بارز زاویه دید موازی است.

#### ۶-۴. زاویه دید رقابتی - کشمکشی

در زاویه دید رقابتی - کشمکشی، دو یا چند گونه شناختی در طول متن با هم در حال رقابت یا کشمکش‌اند و حضور یکدیگر را به‌چالش می‌کشند؛ بی‌آنکه بتوان نتیجه مشخصی برای آن پیش‌بینی کرد. در گفتمان است که می‌توان به نتیجه چنین زاویه

دیدنی پی برد (شعیری و وفایی، ۱۳۸۸: ۸۹-۹۰). از آنجا که هدف از روایت داستان حضرت ابراهیم دعوت مردم زمانه ایشان به یکتاپرستی و اثبات حقانیت دعوت خود به بت پرستان است، طبیعی است که این زاویه دید در داستان نمود زیادی داشته باشد. برای مثال در آیه ۲۵۸ سوره بقره، مجادله و استدلال ورزی حضرت ابراهیم با نمرد ترسیم شده است: *أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أَحْيِي وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ*. در این زاویه دید، ابراهیم و نمرد نوع پرستش یکدیگر را به چالش می کشند و آن را در رقابت با هم قرار می دهند؛ به عبارت دیگر، در چالشی دوطرفه، هرکدام می خواهند خدای خود را به دیگری به اثبات برسانند؛ خدایی که می میراند و زنده می کند و خورشید را از مشرق بیرون می آورد. شبیه این زاویه دید و محتوای آیه مذکور در آیات ۷۰ تا ۸۲ سوره شعراء هم دیده می شود: *إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ \* قَالُوا نُعْبُدُ أَصْنَامًا فَنظَّلْ لَهَا عَاكِفِينَ \* قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ \* أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ \* قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ \* قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ \* أَنْتُمْ وَ آبَاؤُكُمْ الْأَقْدَمُونَ \* فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِي إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ \* الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ \* وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ \* وَإِذَا مَرَضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ \* وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ \* وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ*. در این آیات چالش بین حضرت ابراهیم و قوم ایشان است. زاویه دید این چالش، کشمکش است که ابراهیم علیه السلام بت پرستی و ناتوانی خدایان قوم خود را زیر سؤال می برد. آنها هم با اتکاء بر پیروی از آداب اجداد و نیاکان خود، در مقابل پیامبر الهی می ایستند.

در آیات ۵۲ تا ۶۱ سوره انبیاء، بخشی از روایت حضرت ابراهیم با این زاویه دید بیان می شود: *إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ \* قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا عَابِدِينَ \* قَالَ لَقَدْ كُنْتُمْ أَنْتُمْ وَ آبَاؤُكُمْ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ \* قَالُوا أَجِئْنَا بِالْحَقِّ أَمْ أَنْتَ مِنَ اللَّاعِبِينَ \* قَالَ بَلْ رَبُّكُمْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ وَ أَنَا عَلَى ذَلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ \* وَ تَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ \* فَجَعَلَهُمْ جَذَاذًا إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ \* قَالُوا مَنْ فَعَلَ هَذَا بِآلِهَتِنَا إِنَّهُ لَمِنَ الظَّالِمِينَ \* قَالُوا سَمِعْنَا فَتًى يَذُكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ \* قَالُوا فَاتُوا بِهِ عَلَى عَيْنِ النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُونَ*. در این آیات، رقابت و کشمکش بیشتری بین دو

گونه وجود دارد. از یک سو حضرت ابراهیم خدایان و بت‌های قوم و حکومت وقت را مورد نقد و چالش قرار می‌دهد و عملیات نابودسازی بت‌های آن‌ها طراحی می‌کند و از سوی دیگر بت‌پرست‌ها به دنبال پاسخ دادن به حضرت ابراهیم و از بین بردن ایشان هستند. به طور کلی می‌توان گفت در غالب روایات حضرت ابراهیم، دو گونه بت‌شکنی و بت‌پرستی در رقابت و کشمکش با یکدیگر قرار دارد. در این زاویه دید، سیر نگاه به سمت استدلال‌های محکم ابراهیم و شکستن بت‌ها به دست ایشان سوق پیدا می‌کند.

#### بازنمایی کلی زاویه‌های دید در آیات مرتبط با داستان حضرت ابراهیم در قرآن کریم

زاویه‌های دید	زاویه دید جهان‌شمول	زاویه دید تسلسلی	زاویه دید گزینشی	زاویه دید جزء‌نگر یا ویژه	زاویه دید رقابتی - کشمکشی
آیات مورد بررسی	بقره: ۱۲۶ و ۱۲۹ انعام: ۷۵ و ۷۹	صافات: ۱۰۵-۱۰۲ انعام: ۷۸-۷۶	بقره: ۱۲۴ انعام: ۷۵ صافات: ۱۱۲-۱۰۹	شعرا: ۸۲-۷۸ بقره: ۱۲۵	حجر: ۵۸-۵۱ هود: ۷۳-۶۹ ذاریات: ۳۴-۲۴

#### ۵. نتیجه

مطالعه زاویه دید شناختی و انواع آن در داستان حضرت ابراهیم (ع) نشان می‌دهد حق تعالی برای دعوت مردم به راه راست و هدایت آن‌ها و البته القای معنا به مخاطب، از گونه‌های مختلف زاویه دید شناختی جهان‌شمول، تسلسلی، گزینشی، جزء‌نگر یا ویژه، موازی و کشمکشی - رقابتی استفاده کرده است. آیات مورد بررسی نشان می‌دهد گفته‌پرداز با انتخاب این زاویه دیدها، مخاطب را به سمت‌وسویی خاص و هدف مطمح نظر سوق می‌دهد. با زاویه دید جهان‌شمول، تصویری کلی از «رسول» و «بلد» ارائه می‌دهد. همچنین تسلط بر ملکوت آسمان‌ها و زمین و درنوردیدن نگاه به سمت آن‌ها، جهان‌شمولی زاویه دید را در آیات مرتبط نشان می‌دهد. اثبات حقانیت معبود حضرت ابراهیم در مقابل معبودهای دیگر و ذبح حضرت اسماعیل از محورهایی است که براساس زاویه دید تسلسلی به آن‌ها پرداخته است. گفته‌پرداز براساس توالی نگاه و با

قرار دادن مخاطب در وضعیتی فعال، سعی می‌کند با استفاده از این زاویه دید در القای معنا به مخاطب توفیق بیشتری به دست آورد. از آنجا که هدف قرآن هدایت انسان‌ها و برتری دادن یک جهان‌بینی بر دیگر گونه‌های اعتقادی است، طبیعی است که زاویه دید گزینشی هم نقش مهمی در بیان روایت حضرت ابراهیم داشته باشد. خداوند متعال هنگامی که از میان همه نمونه‌ها نام ایشان را ذکر می‌کند و به عنوان «امام» برمی‌گزیند، درحقیقت از زاویه دید گزینشی استفاده می‌کند تا مخاطب را به شناخت از یک نمونه برتر برساند. در زاویه دید ویژه در آیات مذکور، برخی ویژگی‌های «خداوند متعال» و «بیت» به عنوان اجزای آن‌ها به صورت بسیار ریز پردازش شده و نگرشی وسواسی به آن‌ها صورت گرفته است. همچنین گفت‌وگوی حضرت ابراهیم با فرستادگان الهی با زاویه دید موازی ترسیم می‌شود. نکته قابل توجه این است که در داستان حضرت ابراهیم، حوادث و ماجراهای زیادی وجود دارد که کشمکش، مجادله و استدلال‌آوری ایشان را با مردم بت‌پرست و مشرک و پادشاه زمان خود به تصویر می‌کشد؛ لذا طبیعی است که زاویه دید متناسب با این غایتمندی، کشمکشی - رقابتی است و به مراتب حضور این زاویه دید در داستان پررنگ است. همچنین در برخی آیات، حضرت ابراهیم با سربلند بیرون آمدن از آزمایش‌های الهی، سازکار رسیدن به کمال را در خود فراهم می‌کند و به استعلا می‌رسد.

#### منابع

قرآن کریم.

آزند، یعقوب (۱۳۷۵). «درباره ادبیات داستانی: فرهنگ اصطلاحات ادبیات داستانی». *ماهنامه*

*ادبیات داستانی*. س ۴. ش ۳۹. صص ۲۶-۳۴.

آقاحسینی، حسین و سمانه زراعتی (۱۳۸۹). «بررسی تطبیقی داستان حضرت ابراهیم در متون

تفسیری و عرفانی (تا قرن هفتم هجری)». *الهیات تطبیقی*. س ۱. ش ۲. صص ۴۱-۶۴.

پورنداف حقی، شیوا و دیگران (۱۳۹۴). «زاویه دید در سه داستان کوتاه از بیژن نجدی».

*پژوهش زبان و ادبیات فارسی*. ش ۳۹. صص ۱۲۷-۱۵۲.

تقوی، هدیه (۱۳۹۹). «کنش گفتمانی حضرت ابراهیم (ع) با مخالفان در قرآن کریم براساس طبقه‌بندی کنش‌های گفتاری سرل». تحقیقات علوم قرآن و حدیث. س ۱۷. ش ۲. صص ۳۱-۱.

جلالی طحان، زهرا و شهلا خلیل‌اللهی (۱۳۹۵). «نشانه - معنانشناسی زاویه‌های دید در داستان 'صلح' براساس نظریه ژاک فونتنی». جستارهای زبانی. س ۷. ش ۱. صص ۱۶-۱.

حسن‌پور دهنوی، ارسلان، گیتی تاکی و صاحبعلی اکبری (۱۳۹۷). «بررسی مناظرات حضرت ابراهیم در قرآن از منظر رویکرد پرگما - دیالکتیک». جستارهای زبانی. د ۹. ش ۶. صص ۲۶۵-۲۴۱.

داوودی‌مقدم، فریده (۱۳۹۲). «بازنمایی انسجام در داستان حضرت ابراهیم (ع) براساس تحلیل نشانه - معنانشناسی گفتمانی» در هفتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی. صص ۷۷۲-۷۶۰.

رفعت‌خواه، فاطمه و مهیار علوی‌مقدم (۱۳۹۹). «تحلیل نشانه - معنانشناسی زاویه دید در منظومه عاشقانه ورقه و گلشاه عیوقی براساس الگوی ژاک فونتنی». پژوهشنامه ادب غنایی. س ۱۸. ش ۳۴. صص ۱۶۴-۱۴۳.

روشنفکر، کبری، زینب جرونده و افشین جرونده (۱۳۹۸). «بررسی داستان بت‌شکنی و در آتش افکنده شدن حضرت ابراهیم برپایه الگوی روایی گریماس». مطالعات سبک‌شناختی قرآن کریم. س ۳. ش ۱. صص ۳۱-۱۱.

شعیری، حمیدرضا (۱۳۹۵). تجزیه تحلیل نشانه معنانشناختی گفتمان. ج ۵. سمت: تهران.

شعیری، حمیدرضا و ترانه وفایی (۱۳۸۸). ققنوس راهی به نشانه - معنانشناسی سیال. تهران: علمی و فرهنگی.

شیخ صدوق، محمدبن علی (ابن‌بابویه) (۱۳۶۲). الخصال. محقق علی‌اکبر غفاری. ج ۲. قم: جامعه مدرسین.

طاهری‌نیا، علی‌باقر و دریانورد مریم (۱۳۹۳). «تحلیل ساختار عنصر گفتگو در داستان حضرت ابراهیم در قرآن کریم». پژوهش‌های قرآنی در ادبیات. س ۱. ش ۲. صص ۵۱-۲۷.

طباطبایی، محمدحسین (بی‌تا). المیزان فی تفسیر القرآن. المجلد ۷. منشورات: اسماعیلیان.

علوی، فاطمه و دیگران (۱۳۹۴). «سبک‌شناسی انتقادی زاویه دید در داستان کوتاه 'مردی که برنگشت'». نشریه ادب و زبان (نثرپژوهی ادب فارسی). س ۱۸. ش ۳۸. صص ۲۸۹-۲۶۵.

علیزاده منامن، عیسی و دیگران (۱۳۹۹). «بررسی ساختار داستان حضرت ابراهیم و لوط در قرآن کریم و عهد عتیق براساس الگوی سیمپسون». پژوهش‌های علم و دین. س ۱۱ ش ۲. صص ۱۰۷-۱۲۸.

عمادزاده، حسین (۱۳۸۳). *تاریخ انبیاء از آدم تا خاتم و قصص قرآن*. چاپ ۲. تهران: اسلام. محمودی بختیاری، بهروز و ساغر منشی (۱۳۹۷). «دیالوگ دراماتیک در قرآن کریم در چارچوب نظریه گفتمانی: بررسی موردی رخداد گفتاری حضور فرشتگان در منزل حضرت ابراهیم (ع)». پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی. د ۸ ش ۲. صص ۳۶۹-۳۸۷.

ملک‌لو، صدیقه و دیگران (۱۳۹۷). «تحلیل انتقادی دیدگاه برخی خاورشناسان درباره تفاوت چهره ابراهیم و اسماعیل در سور مکی و مدنی». *مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی*. س ۲. ش ۱. صص ۹۷-۱۱۸.

میرصادقی، جمال (۱۳۹۱). *زاویه دید در داستان*. تهران: سخن. نصیری، روح‌اله، مهدی مطیع و مهناز امیری (۱۳۹۹). «بازسازی معناهای عاطفی در فرایند ارزشی گفتمانی داستان ابراهیم؛ با رویکرد نشانه - معناشناختی». *جستارهای زبانی*. د ۱۱. ش ۲. صص ۱۷۷-۲۰۳.

#### Holy Quran.

- Aghahosseini, H., & Zeraati, S. (2010). "The Abraham Story in Comparison to the Mystical and Hermeneutic Persian Texts up to the Tenth Century, a Comparative Study" (in Farsi). *Comparative Theology*. Vol. 1. No. 2. pp. 41-64.
- Alavi, F. et al. (2016). "Critical Stylistics of Point of View in the Short Story 'The Man Who...'" (in Farsi). *Journal of Prose Studies in Persian Literature*. Vol. 18. No. 38. pp. 265-289.
- Alizadeh, I. et al. (2020). "A study of the structure of the story of Abraham and Lot in the Holy Quran and the Old Testament based on Simpson's model" (in Farsi). *Science and Religion Research*. Vol. 11. No. 2. pp. 107-128.
- Azhand, Y. (1996). "About Fiction: A Dictionary of Fiction Terms" (in Farsi). *Fiction Literature*. Vol. 4. No. 39. pp. 26-34.
- Davoudi Moghadam, F. (2014). "Representation of coherence in the story of Abraham based on Analysis of Discourse Semiotic" (in Farsi) in *7<sup>th</sup> Persian Language and Literature Research Conference*. pp. 760-772.
- Emadzadeh, H. (2004). *History of the Prophets* (in Farsi). Tehran: Islam.
- Hassanpour Dehnavi, A., Taki, G., & Akbari, S. (2019) "Analysis of Abrahah's Debates in the Holy Quran Based on Pragma-Dialectic

- Approach” (in Farsi). *Language Related Research*. Vol. 9. No. 6. pp. 241-265.
- Jalali Tahan, Z., & Khalilollahi, S. (2016). “Semiotique point of view in the story of "peace" According to Jacques Fontanille” (in Farsi). *Language Related Research*. Vol. 7. No. 1. pp. 1-16.
- Mahmoodi Bakhtyari, B., & Maneshi, S. (2018). “Dramatic Dialogue in Holy Quran Based on discourse theory” (in Farsi). *Journal of Foreign Language Research*. Vol. 2. No. 8. pp. 369-387.
- Maleklou, S. et al. (2018). “Critical Analysis of the Viewpoint of Some Orientalists on the Difference between the figure of Abraham and Ishmael in Meccan and Medinan chapters” (in Farsi). *Quranic Studies and Islamic Culture*. Vol. 2. No. 1. pp. 97-118.
- Mirsadeghi, J. (2012). *Point of view in the story* (in Farsi). Tehran: Sokhan.
- Nasiri, R. A., Moti, M., & Amiri, M. (2020). “Reconstructing Affective Meanings in the Axiological Discursive Process of Abraham's Quranic Story: A Semiotic Approach” (in Farsi). *Language Related Research*. Vol. 11. No. 2. pp. 177-203.
- Poornaddaf Haghi, Sh. Et al. (2016). “Point of View in Three stories in ‘Bizhan Najdi’” (in Farsi). *Persian Language and Literature Research*. Vol. 13. No. 39. pp. 127-152.
- Rafatkah, F., & Alavi Moghadam, M. (2020). “Analysis of sign-semantics ‘point of view’ in romantic poem of Ayyuqi’s Vargheh va Golshah Base on Jacques Fontaine’s Patter” (in Farsi). *Journal of Lyrical Literature Researches*. Vol. 18. No. 34. pp. 143-164.
- Roshanfekar, K., Jervandeh, Z., & Jervandeh, A. (1999). “A Review of the story of breaking idol and thrown into the fire of Hazrat Ibrahim based on the Grimas narrative patter” (in Farsi). *Stylistic Studies of the Holy Quran*. Vol. 3. No. 1. pp. 11-31.
- Shairi, H. R. (2016). *Analysis of Semiotics of Discourse* (in Farsi). Tehran: SAMT.
- Shairi, H. R., & Vafaei, T. (2010). *A Path to the Dynamic Semiotics, a Case Study on the Nim's Poem: Qoqnous*. Tehran: `Elmi va Farhangui.
- Sheikh Sadooq, M. (1982). *Al-Khisal* (in Arabic). Qom: Jameeh Modarresin.
- Tabatabaei, S. M. H. (no data). *Al-Mizan fi tafsir al-Quran* (in Arabic). Tehran: Esmaeilian.
- Taheri Nia, A. B., & Daryanavard, M. (2014). “The Analysis of the Element of Dialogue in the Story of Prophet Ibrahim in the Holy Koran” (in Farsi). *Journal of Quranic Studies in Literature*. Vol. 1. No. 2. pp. 51-27.